

هو الله

ای ربّ توانا تو شاهی که در این لیلہ لیلا بر این عاشقان بینوا چه وارد گشته و در این سالیان دراز از حین مفارقت وجه صبیحت بچه سوز و گدازی اهل راز دمساز ای مولای قدیر افتادگی و بیچارگی آوارگان کویت را میسند و بشدید القوی این مشت ضعفا را تائید کن در انجمن عالم عزیزانت را عزیز و مقتدر فرما و بتحققّ آمال این بال و پر شکستگان را سر افراز و مفتخر کن تا در این چند روزه حیات عزّت و رفعت آئینت را بدیده عنصری بنگریم و قلبی شاد و روحی مستبشر بسوی تو پرواز کنیم تو دانی که نام و نشانی بعد از تو نخواهیم و سرور و شادمانی و کامرانی در این عالم فانی دیگر آرزو ننمائیم پس وعدت را وفا نما و جان و روان این خسته دلان را نشئه ئی تازه بخش دیده انتظار را روشن کن و جرح قلوب کئیبه را التیام ده بسر منزل مقصود کاروانهای مدینه عشقت را بزودی برسان و بساحت وصال دردمندان هجرت را بکشان زیرا در این عالم ادنی جز ظفر و نصرت امرت را نخواهیم و در جوار رحمت کبری جز امید وصال آمالی در دل نداشته و نداریم توئی گواه توئی ملجأ و پناه توئی نصرت دهنده این جمع بیگناه .

بنده آستانش شوقی